

الباب الثاني من الواحد الاول

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني من الواحد الاول

ملخص این باب آنکه رجوع محمد - صلی الله علیه و اله - و مظاهر نفس او بدنیا شد و ایشان اول عبادی بودند که بین یدی الله در یوم قیامت حاضر شدند و اقرار بوحدانیت او نموده آیات باب او را بکل رسانیدند و خداوند بوعده که فرموده بود در قرآن: ﴿و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين﴾ ایشانرا ائمه گردانید و بهمان دلیل که نبوت محمد - صلی الله علیه و اله - از قبل ثابت است بهمان رجوع ایشان بدنیا عند الله و عند اولی العلم ظاهر است و آن دلیل آیات الله است که ما علی الارض از اتیان بمثل آنها عاجز میباشند

و شبهه نیست که شرف عبد بتوحید خداوند و معرفت او است و اقرار بعدل و طاعت و رضای او و شبهه نیست که این نفوس مقدسه قبل از هر نفسی بآنچه جوهر کل علو و عزت است فائز گردیده زیرا که هر ذی روحی که تصور کند عزای مشاهده نمیکند الا برضای خداوند و شبهه نیست که ایشان اول انواری بودند که بین یدی الله سجده نموده و آیاتی که نازل فرموده بود بر باب خود قبول نموده تبلیغ آنها را فرموده

و هیچ علوی در امکان اعلی تر از این نیست که فؤاد عبد مدل علی الله باشد و بقدر تسع تسع عشر عشر تاسعه از محبوب خود محتجب نباشد زیرا که هر نفس آنچه در حیات خود میکند اراده نمیکند الا رضاء الله را زیرا که این است منتهای مقصد کل و شبهه نیست که رضاء الله ظاهر نمیشود الا برضای آنکسی که خداوند باو حجت خود را عطا فرموده باشد و شبهه نیست که این انوار مقدسه برضای خداوند قبل کلتشئ مسترضی شده و همین است علو اعلی فوق هر علوی و سمو ابعی فوق هر سموی



ORIGINAL



AUDIO

و شبهه نیست که رجوع ایشان در ظهور آخرت اعظم تر است نزد خداوند از ظهور بدء ایشان در قبل و بآنچه قبل نبوت ثابت شده امروز ولایت ثابت میشود اگر چه ظهور نقطه بیان همان بعینه ظهور محمد است در رجوع آن و لکن چون ظاهر شده بظهور الله کل اسماء در ظل و مستدل علی الله هستند زیرا که او است اول و آخر و ظاهر و باطن و از برای اسماء حسنی مخصوص گردانیده خداوند اسماء ایشان را در این کور بحروف حی زیرا که چهارده نفس مقدس بوده و اسم مکنون مصون که با اسماء ابواب اربعه یا انوار عرش یا حوامل خلق و رزق و موت و حیات مذکور میشوند که کلا عدد حی میشوند که اقرب اسماء بوده اند الی الله و ما سوای آنها مهتدی هستند بهدای ایشان زیرا که بدء فرمود خداوند خلق بیان را بایشان و رجوع خواهد فرمود خلق بیان را بایشان

و ایشان انواری بوده اند که لم یزل و لا یزال نزد عرش حق ساجد بوده و هستند در هر ظهوری با سمی مذکور نزد خلق بوده و در هر ظهوری تغییر اسماء جسدیه از برای ایشان بوده و لکن اسماء کینونیت که مدل علی الله بوده و در افتدۀ ایشان ظاهر بوده و اگر نبود بقرب کینونیت خود نتوانستند بین یدی الله حاضر شوند لم یزل و لا یزال بوده و هست و از برای خداوند اسماء ما لا نهیة بما لا نهیة بوده و هست و لکن کل باین اسماء متجلی گشته چنانکه هدایت کل بهدایت اینها شده و در افتدۀ این اسماء دیده نمی شود الا الله بل در فؤاد هیچ نفس مؤمنی و مؤمنه دیده نمیشود الا آن اسمی که فؤاد آن مستمد باو است از خداوند و در او دیده نمیشود الا الله وحده الا له الخلق و له الامر من قبل و من بعد لا اله الا هو الحی القيوم

و هر نفسی که مؤمن بمحمد - صلی الله علیه و اله - بوده با دون آن رجوع نموده در ظل او و ان کلا یجزی بما کسبوا و الله علی کلشیء شهید.